

# پانیوم - شماره بیست

توالی باب یازدهم دانیال و هشدار ۲۰۲۵

Jeff Pippenger

2026-03-02

کاربست پیشگامانه تاریخی که آیات ده تا شانزده را تحقق بخشید، مشخص کرده بود که روم—که رؤیا را استوار ساخت—در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، همان سال نبرد پانیوم، وارد شد؛ و من بر اینم که در ۲۰۲۵ روم با تحلیف ترامپ و جلوس پاپ لئو وارد شد و رؤیا را برقرار کرد. سال ۲۰۲۵ تنها موردی است که در آن پاپ و رئیس‌جمهور هر دو در یک سال تحلیف و جلوس کردند. در ۲۰۲۵، وحش و صورت آن برای همه آنان که مایل به دیدن‌اند برافراشته شد. برخلاف پیشگامان، من توالی آیات را به کار می‌گیرم، نه تاریخی را که در آغاز آیات را تحقق بخشید. با آن تاریخ موافقم، اما به جای آنکه از تاریخ برای تعریف چارچوب آیات استفاده کنم، از توالی درون آیات به منزله چارچوب تاریخ بهره می‌گیرم. مدعی‌ام که هر دو رویکرد دقیق‌اند.

## انقلاب مکابیان

من خط سیر مکابیان را نیز به شیوه‌ای مشابه به کار می‌بندم. قیام مکابیان در سال ۱۶۷ پیش از میلاد، مدت‌ها پس از نبرد پانیوم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، و بسیار پیش از آن بود که پومپیوس در سال ۶۳ پیش از میلاد اورشلیم را فتح کرد. خطی که در آیه شانزدهم با فتح اورشلیم به دست سردار پومپیوس در سال ۶۳ پیش از میلاد آغاز می‌شود، تا تیرییوس قیصر، که هنگام مصلوب شدن عیسی سلطنت می‌کرد، امتداد می‌یابد. صلیب و تیرییوس در آیه بیست و دوم باب یازدهم بازنموده شده‌اند.

و لشکرها مثل سیل از حضور او غرق خواهند شد و شکسته خواهند گردید؛ و نیز رئیس عهد. دانیال ۱۱:۲۲

فتح اورشلیم به دست ژنرال پومپیوس در سال ۶۳ پیش از میلاد در آیه شانزدهم، و سپس صلیب در سال ۳۱ میلادی در آیه بیست و دوم، نمایانگر خطی نبوتی است که از نمادی از قانون یکشنبه آغاز می‌شود و با نمادی از قانون یکشنبه پایان می‌پذیرد. آیه بیست و سوم گسستی در این بخش است و بدین‌سان آیه بیست و دوم را به منزله پایان آن خط نبوتی که در آیه شانزدهم آغاز شده بود مشخص می‌کند. افزون بر پایان متمایز این خط در آیه بیست و دوم، این واقعیت نیز هست که آیه بیست و دوم نماد همان نشانه‌های راهی است که در آیه شانزدهم نمایانده شده است، و بدین‌گونه گواهی آلفا و امگا فراهم می‌آورد که آیات شانزدهم تا بیست و دوم نمایانگر خطی نبوتی متمایز است.

بر این بیفزایید که آیات پانزده و شانزده نشانگر انتقال از پادشاهی سلوکی به قدرت روم‌اند، و گسستی در تداوم از سلوکیان در آیه پانزده به رومیان در آیه شانزده دیده می‌شود. همچنین، خط آیات شانزده تا بیست و دو به روشنی به منزله خط نبوی واحدی مجزا می‌شود. آیه شانزده قدرت بعدی را که بر یهودیه چیره خواهد شد معرفی می‌کند، و بدین‌سان، همانند آیه بیست و سه، نشانگر گذاری در تاریخ نبوی است. این خط با نمادی از قانون یکشنبه آغاز می‌شود و به همان نماد پایان می‌پذیرد، و در آیه بیست و دوم باب یازدهم پایان می‌یابد.

## اسمیت—و سه قیصر

این واقعیت که آیه شانزدهم، همانند آیه بیست و دوم، نمایانگر قانون یکشنبه است، ایجاب می‌کند که این دو آیه بر یکدیگر تطبیق داده شوند. اوریا اسمیت درباره آیه بیست و سوم اظهار نظر می‌کند و توضیح می‌دهد که چرا آن آیه نمایانگر تاریخی است که آغاز آن به گذشته‌ای دورتر در تاریخ آیات پیشین بازمی‌گردد، نه تاریخی که بلافاصله پس از واقعه صلیب آیه بیست و دوم در پی می‌آید.

آیه ۲۳. و پس از آنکه با او پیمانی بسته شود، به نیرنگ عمل خواهد کرد؛ زیرا برخواهد خاست و با قومی اندک قوت خواهد یافت.

آن "او" که پیمان مذکور در اینجا با او بسته می‌شود، باید همان قدرتی باشد که از آیه چهاردهم موضوع نبوت بوده است؛ و اینکه این قدرت، قدرت رومی است، به گونه‌ای غیرقابل مناقشه در تحقق نبوت در سه فرد—چنان که پیش‌تر نیز یاد شد—که پیایی بر امپراتوری روم حکم راندند، نشان داده می‌شود: یعنی یولیوس، آگوستوس و تیبریوس قیصر. نخستین ایشان، آنگاه که در ظفر به دژ سرزمین خویش بازمی‌گشت، لغزید و افتاد، و یافت نشد. آیه ۱۹. دومی برپا دارنده خراج بود؛ و در شکوه مملکت سلطنت کرد و نه در خشم و نه در جنگ مرد، بلکه در بستر خویش به آرامی درگذشت. آیه ۲۰. سومی ریاکار و از پست‌سرشت‌ترین افراد بود. او به‌طور مسالمت‌آمیز به سلطنت رسید، اما هم سلطنتش و هم زندگی‌اش با خشونت پایان یافت. و در ایام سلطنت او، رئیس عهد، عیسی ناصری، بر صلیب کشته شد. آیات ۲۱ و ۲۲. مسیح هرگز دیگر شکسته یا به قتل نخواهد رسید؛ از این رو در هیچ حکومت دیگری و در هیچ زمان دیگری نمی‌توان تحقق این وقایع را یافت. برخی می‌کوشند این آیات را بر آنتیوخوس تطبیق دهند و یکی از کاهنان اعظم یهود را رئیس عهد قلمداد کنند، هرچند هرگز چنین خوانده نشده‌اند. این همان‌گونه استدلال است که می‌کوشد سلطنت آنتیوخوس را تحقق شاخ کوچک دانیال ۸ بداند؛ و این استدلال برای همان منظور عرضه می‌شود: یعنی شکستن زنجیره عظیم ادله‌ای که به واسطه آن نشان داده می‌شود که تعلیم ظهور، تعلیم کتاب مقدس است، و اینکه مسیح اکنون بر در است. اما این ادله را نمی‌توان ابطال کرد؛ این زنجیر را نمی‌توان گسست.

«پس از آن که ما را از خلال رویدادهای سکولار امپراتوری تا پایان هفتاد هفته پیش می‌برد، نبی در آیه ۲۳ ما را به زمانی بازمی‌گرداند که رومیان از طریق پیمان یهودیان، در سال ۱۶۱ ق.م، به‌طور مستقیم با قوم خدا مرتبط شدند؛ و از آن نقطه، سپس در خطی مستقیم از رویدادها تا پیروزی نهایی کلیسا و برپایی پادشاهی جاودان خدا پیش برده می‌شویم. یهودیان که به شدت از سوی پادشاهان سوریه ستم‌دیده می‌شدند، سفارتی به روم فرستادند تا یاری رومیان را درخواست کنند و خود را در «پیمانی از دوستی و اتحاد با ایشان» داخل سازند. Mac.8; Prideaux, II, 234; 1. Josephus's Antiquities, book 12, chap.10, sec.6 رومیان به درخواست یهودیان گوش فرا دادند و فرمانی برای ایشان صادر کردند که با این عبارات تنظیم شده بود:—»

«فرمان سنا در باب پیمان یاری و دوستی با قوم یهود. هیچ‌یک از تابعان رومیان را روا نخواهد بود که با قوم یهود جنگ کنند، و نیز روا نخواهد بود که کسانی را که چنین کنند یاری دهند، خواه با فرستادن غله یا کشتی‌ها یا نقدینه نزد ایشان؛ و اگر حمله‌ای بر یهود واقع شود، رومیان تا آنجا که بتوانند ایشان را یاری خواهند کرد؛ و نیز اگر حمله‌ای بر رومیان واقع شود، یهود ایشان را یاری خواهند کرد. و اگر یهود بخواهند چیزی بر این پیمان یاری بیفزایند یا از آن بکاهند، آن کار با رضایت مشترک رومیان انجام خواهد گرفت. و هر افزوده‌ای که بدین سان پدید آید، نافذ خواهد بود.» «این فرمان»، یوسفوس می‌گوید، «به دست اپولموس پسر یوحنا و پاسون پسر الیعازر نوشته شد، آنگاه که یهودا کاهن اعظم قوم بود و شمعون، برادر او، فرمانده سپاه بود. و این نخستین پیمانی بود که رومیان با یهود بستند، و بدین‌گونه سامان یافت.»

در این هنگام رومیان قومی کوچک بودند و به فریب‌کاری، یا با مکر و زیرکی، چنان که خود لفظ دلالت می‌کند، روی آوردند. و از همین نقطه با صعودی پیوسته و شتابان به اوج قدرتی که پس از

آن بدان دست یافتند، ارتقا یافتند. اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۲۷۰، ۲۷۱.

نه تنها صلیب آیه بیست و دو خطی را با نمادی خاتمه می‌دهد که همان نماد در آغاز آن خط نیز هست، بلکه آیه بعد به تاریخی بازمی‌گردد که بر صلیب مقدم بود؛ به حدود سی سال پس از پانیوم و حدود یکصد سال پیش از آن که روم اورشلیم را فتح کند. نشان راه پیمان یهودیان که اسمیت در این جا آن را ۱۶۱ ق.م. معرفی می‌کند، از سوی پیشگامان دیگر ۱۵۸ ق.م. شناخته شده است. نکته‌ای که در این جا بر آن متمرکز می‌شویم چندان خود تاریخ نیست، بلکه این است که آیات شانزده تا بیست و دو نمایانگر خطی از تاریخ نبوتی‌اند که در آن قانون یکشنبه هم آلفا و هم امگای آن خط است. سپس، چون خط آیات شانزده تا بیست و دو ترسیم شد، آیه بیست و سه تاریخ درون این خط را تکرار و بسط می‌دهد. خط تاریخ نبوتی که آیه بیست و سه ارائه می‌کند، تاریخ مکابیان است، و تاریخ مکابیان موازی کاملی با تاریخ ایالات متحده است.

## دو دودمان

مکابیان نمایانگر قیامی بر ضد پادشاهی سلوکی هستند که در دوران سلطنت آنتیوخوس اپیفانس آغاز شد. این قیام بر ضد پادشاهی سلوکی شمالی بود و به پیروزی‌ای انجامید که به برپایی یکی از دو سلسله حاکم بر یهودیه در دورانی انجامید که سرانجام به ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی منتهی شد. نخستین سلسله، حسمونیان بود و دومی، هرودیان. سلسله هرودیان دومین دولت یهودیه پس از رهایی از پادشاهی سلوکی شمالی بود. این سلسله به‌طور مستقیم با نظام رومی پیوند داشت، حال آنکه سلسله پیشین حسمونیان اساساً یهودی بود. سلسله حسمونیان در ۱۴۱ پیش از میلاد آغاز شد و در ۳۷ پیش از میلاد، سلسله هرودیان آغاز گردید و تا سال ۷۰ میلادی دوام یافت.

سلسله‌ها نمایانگر حکومت یهودیه، همان سرزمین مجید باستانی و به معنای حقیقی، هستند. قیام مکابیان از ۱۶۷ تا ۱۶۰ پیش از میلاد بود. در ۱۶۴ پیش از میلاد، مکابیان آنتیوخوس اپیفانس را از اورشلیم بیرون راندند و، پس از آنکه آنتیوخوس آن را تدنس کرده بود، هیکل را تطهیر و بازتقدیس کردند، اما تا ۱۴۱ پیش از میلاد قدرت سلوکی شمالی به‌طور کامل منکوب نشد و سلسله حسمونی آغاز نگردید.

خاندان هیروودیس کلید این خط است، زیرا این هیروودیس کبیر بود که در زمان ولادت عیسی فرمان قتل کودکان را صادر کرد و پسر او در هنگام مرگ عیسی حاکم بود. هیروودیس کبیر پدر بود و بر یهودیه پادشاهی می‌کرد؛ اما پسرش تنها یک تترارخ بود، بدین معنا که بر یک چهارم پادشاهی فرمان می‌راند؛ شبیه والی، نه پادشاه. از همین رو اختیار لازم را نداشت و برای مصلوب ساختن مسیح ناچار بود به پیلاطس مراجعه کند. ولادت عیسی «زمان پایان» نبوی در خط نبوت او بود، و مرگ او نمایانگر قانون یکشنبه است. هیروودیس نخست نمایانگر ۱۹۸۹ است و آخرین هیروودیس همان قانون یکشنبه است. از هیروودیس پدر تا هیروودیس پسر، خط نبوی مسیح است.

سلسله مکابیان با شورش پیروزمندانه علیه پادشاه شمالی آغاز می‌شود که آداب و رسوم و فرهنگ یونانی خود، و همچنین دین یونانی را بر یهودیان تحمیل کرده بود. آغاز سلسله حسمونیان نمایانگر سال ۱۷۹۸ بود. شاید بپرسید: چرا چنین است؟ اگر یک سلسله در «وقت آخر» نبوی آغاز شود - چنان که سلسله هرودیان در هنگام ولادت مسیح چنین بود - آنگاه به ضرورت نبوی، سلسله دیگر نیز همان آغاز را خواهد داشت. هر دو سلسله آغاز خود را در «وقت آخر» دارند، هنگامی که ولادت مسیح را به منزله «وقت آخر» تطبیق کنیم؛ اما نادانان هرگز نور مهرگشوده مربوط به «وقت آخر» را نمی‌بینند.

در روزگار ما نیز، همچون ایام مسیح، ممکن است سوء قرائت یا سوء تفسیر کتب مقدسه رخ دهد. اگر یهودیان کتب مقدسه را با دل‌هایی صادق و دعاگزارانه مطالعه کرده بودند، جست‌وجوی ایشان با شناختی راستین از زمان - و نه تنها از زمان بلکه نیز از چگونگی ظهور مسیح - پاداش

می‌یافت. آنان ظهور دوم پرچمال مسیح را به آمدن نخستین او منسوب نمی‌داشتند. شهادت دانیال را داشتند؛ شهادت اشعیا و دیگر انبیا را داشتند؛ تعلیمات موسی را داشتند؛ و اینک مسیح در میان خود ایشان بود، و با این همه همچنان کتب مقدسه را برای ادله‌ای در خصوص آمدن او تفتیش می‌کردند. و همان کارهایی را در حق مسیح می‌کردند که نبوت شده بود که خواهند کرد. چنان کور شده بودند که نمی‌دانستند چه می‌کنند.

و بسیاری نیز امروز، در سال ۱۸۹۷، همان کارها را می‌کنند، زیرا در پیام‌های آزمون‌گر مندرج در پیام‌های فرشته اول، دوم و سوم تجربه نداشته‌اند. کسانی هستند که در کتاب مقدس به جست‌وجوی دلیل‌اند تا نشان دهند که این پیام‌ها هنوز در آینده‌اند. دلایل صدق این پیام‌ها را گرد می‌آورند، اما از دادن جایگاه درست‌شان در تاریخ پیشگویانه فرو می‌مانند. از این‌رو، چنین کسانی در خطر گمراه ساختن مردم در باب تعیین جایگاه این پیام‌ها هستند. آنان وقتِ انتها را نمی‌بینند و در نمی‌یابند، و نیز نمی‌دانند که این پیام‌ها را چه هنگام باید در جای خود قرار دهند. روز خدا با گامی خزنده فرا می‌رسد؛ اما مردان به اصطلاح دانا و بزرگ درباره «تعلیم عالی» یا وه‌سرای می‌کنند. آنان نشانه‌های آمدن مسیح را نمی‌شناسند، و نه نشانه‌های پایان جهان را. مجموعه پالسون، ۴۲۳، ۴۲۴.

تعیین ولادت مسیح به‌عنوان «زمان پایان»، و از این‌رو به‌منزله‌ی کلید وارد ساختن سیر مکابیان در بافت حقیقت حاضر ایام واپسین، به معنای قرار دادن مسیح در خود کانون آن فراز است؛ و این خود دلیلی است بر اعتبار آن تطبیق.

خط مکابیان سرزمین جلال روحانی را به تصویر می‌کشد، و این تمثیل از دوره‌ای آغاز می‌شود که در آن ساکنان سرزمین جلال از سلطه سیاسی و دینی پادشاه شمال می‌گسلند. قیام مکابیان که به برپایی دودمان حسمونیان انجامید، نمایانگر سال ۱۷۷۶ است، و قیام بر ضد پادشاه شمال که به دست مکابیان به انجام رسید، نمایانگر جنگ انقلابی بود. بیست‌ودو سال میان ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ نمایانگر قیام مکابیان است که در وقتِ انتها در سال ۱۷۹۸ به دودمان حسمونیان انجامید؛ و آن دودمان ادامه یافت تا آن‌که در وقتِ انتها در سال ۱۹۸۹ دودمان هیروودی آغاز شد. دودمان هیروودی تا ویرانی اورشلیم در سال ۷۰ میلادی ادامه یافت.

آنچه در این خط از تاریخ باید شناخته شود دو وجه دارد: نخست آن‌که تمثیلی از سرزمین جلال باستان است، سرزمینی که نماد سرزمین جلال معاصر است؛ و دوم آن‌که در چارچوب خطی از تاریخ آغاز می‌شود که از آیه شانزدهم شروع می‌گردد؛ جایی که روم برای نخستین بار سرزمین جلال را فتح می‌کند و بدین‌سان مضمون اصلی این خط را معین می‌سازد. خط از آیه شانزدهم تا آیه بیست‌ودوم نماینده سرزمین جلال است، و زمینه آن قانون یکشنبه قریب‌الوقوع می‌باشد. این خط همچنین دو طبقه پرستندگان را که بر هر دو حکومت دودمانی تأثیر می‌گذارند، بازمی‌نماید. صدوقیان از حیث شمار اندک‌تر بودند، اما عموماً در هر دو دوره دودمانی نظام‌های دینی و سیاسی یهود را در اختیار داشتند. نظام دینی تحت اداره کهنوت بود، و همان کهنوت نیز از هر دو، صدوقیان و فریسیان، متأثر بود. حکومت‌های حسمونیان و هیروودیان هر دو از فریسیان و صدوقیان تأثیر می‌پذیرفتند، و این دو سلسله نماینده دولت ایالات متحده از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه هستند.

فریسیان و صدوقیان نماینده دو حزب با گرایش‌های سیاسی‌اند که با موضع‌شان در باب مسئله برده‌داری از یکدیگر متمایز می‌شوند. دموکرات‌ها طرفدار برده‌داری‌اند و جمهوری‌خواهان ضد برده‌داری؛ و هر دو با سازوکار سیاسی حکومت مبتنی بر قانون اساسی ایالات متحده تعامل دارند. آن حکومت، همان وحش زمین باب سیزدهم مکاشفه است، و تاریخ بیرونی این وحش به‌وسیله شاخ جمهوری‌خواه آن نمایانده می‌شود. تاریخ درونی به‌وسیله شاخ پروتستان نمایانده می‌شود. شاخ‌ها بر آن وحش از هم جدا هستند، زیرا آن وحش همان قانون اساسی است که شاخ دولت را از شاخ کلیسا

جدا می‌سازد، اما آن دو در سیر تاریخ با هم حرکت می‌کنند. شاخ جمهوری خواه دو نفوذ دارد: یا به سوید برده‌داری یا بر ضد آن. شاخ پروتستان نیز دو نفوذ دارد: یا در جهت سبت روز هفتم یا در جهت روز نخست خورشید.

نزدیک به سی سال پس از نبرد پانیوم، مکابیان تاریخ ایالات متحده را به منزله ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس مشخص می‌کنند. سپس، حدود یک قرن بعد، با فتح اورشلیم، آیه شانزدهم تحقق می‌یابد و این واقعه پیش‌نمون صلیب است. یهودیه دومین سه مانعی است که روم در روند تسلط بر جهان آن را به اطاعت درمی‌آورد. ژنرال پومپه در سال ۶۵ پیش از میلاد سوریه را، و سپس در سال ۶۳ پیش از میلاد یهودا را فتح کرد. آگوستوس قیصر سومین مانع را در نبرد آکتیوم در سال ۳۱ پیش از میلاد فتح کرد. این تاریخ در سیر آیات شانزدهم تا بیست و دوم بازنمایی شده است.

تا هنگام صلیب، تاریخ مکابیان نزدیک به دو بیست سال جریان داشته بود. اوریا اسمیت تشخیص می‌دهد که تاریخی که در آیه بیست و سوم با پیمان با یهودیان نمایانده شده است، باید با نقطه آغازینی در تاریخ منطبق گردد که نزدیک به دو بیست سال پیش از تاریخ صلیب مذکور در آیه بیست و دوم رخ داده است. تاریخ صلیب در آیه بیست و دوم باید با آیه شانزدهم هم‌راستا گردد، زیرا آیه شانزدهم نیز قانون یکشنبه است. این بدان معناست که خط مکابیان، که همان تاریخ سرزمین جلال یهودا است، بسیار پیش‌تر از قانون یکشنبه آیه شانزدهم آغاز می‌شود.

وقتی درمی‌یابیم که تاریخ میلریتی‌ها نمایانگر تاریخ یکصد و چهل و چهار هزار است، می‌توانیم زمان انتهای میلریتی‌ها در ۱۷۹۸ را با زمان انتهای یکصد و چهل و چهار هزار در ۱۹۸۹ هم‌تراز کنیم. با انجام این کار، تاریخ فرشتگان اول و دوم را بر تاریخ فرشته‌ی سوم قرار می‌دهیم. ۱۷۹۸ و ۱۹۸۹ نشانه‌های راه آلفا و امگای تاریخ آیه‌ی چهل و دانیال یازدهم هستند.

آیه چهل از «وقت آخر» آغاز می‌شود، که به آسانی می‌توان ثابت کرد که ۱۷۹۸ است؛ و هنگامی که به درستی فهمیده شود، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹ آیه چهل را محقق ساخت، و آن تحقق نیز «وقت آخر» بود. دو «وقت آخر» در یک آیه، یعنی در همان باب که سلسله مکابیان آمده است. قیام مکابیان که به برپایی سلسله حسمونی انجامید، نمایانگر بیست و دو سال از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ است. در ۱۷۹۸ سلسله حسمونی آغاز شد و در ۱۹۸۹ سلسله هیروودی آغاز شد.

آیه دهم باب یازدهم دانیال سال ۱۹۸۹ را مشخص می‌سازد، و آیه شانزدهم قانون روز یکشنبه است. سیر تاریخی مذکور در آن آیات نمایانگر سه نبرد، و نیز زوال پادشاه جنوب و ورود روم به تاریخ نبوی است. همچنین، دربردارنده خط دو سلسله است که نمایانگر تغییری هستند که در وحش زمین مکاشفه سیزده روی می‌دهد؛ همان که «دو شاخ داشت مانند بره» و «چون اژدها سخن گفت». به صورت تریبی، سلسله نخست یهودی بره است و سلسله دوم رومی اژدها. سلسله نخست یهودی بود، دومی رومی بود. خواه یهودی، خواه رومی، وحش زمین دو شاخ داشت.

سلسله یهودی نمایانگر شاخ پروتستان است و سلسله رومی نمایانگر شاخ جمهوری خواه. هر دو شاخ نیز واجد تقسیم نبوی دوتایی‌اند. صدوقیان و فریسیان چارچوب دموکرات‌های طرفدار برده‌داری را در برابر جمهوری خواهان ضدبرده‌داری فراهم می‌آورند؛ و در عین حال، نمایانگر تقسیم دوگانه‌ای از باکره‌های نادان، در تقابل با باکره‌های دانا هستند. فریسیان، به منزله باکره‌های نادان، در ناامیدی نخستین غربال می‌شوند و صدوقیان در تطهیر دوم هیکل غربال می‌گردند. فریسیان، همچون کلیسای ساردس، مدعی داشتن نام حیات بودند، لیکن مرده بودند، و نخست غربال می‌شوند؛ سپس صدوقیانی که قدرت خدا را انکار کردند، قدرت و پیام فریاد نیم‌شب را انکار نمودند. صدوقیان قوم عهدی که از ایشان درگذشته می‌شود؛ صدوقیان آنان‌اند که به احساسات خوشایند بسنده می‌کنند.

آمدن مسیح، چنان‌که در پیام فرشتهٔ اول اعلان شده بود، چنین فهمیده می‌شد که به‌وسیله آمدن داماد نمایانده شده است. نهضت اصلاحی فراگیری که تحت اعلام قریب‌الوقوع بودن آمدن او پدید آمد، با بیرون رفتن باکره‌ها مطابقت داشت. در این مَثَل، همچون آن متی ۲۴، دو گروه به تصویر کشیده شده‌اند. همه چراغ‌های خود، یعنی کتاب مقدس، را برگرفته بودند و به نور آن به استقبال داماد بیرون رفته بودند. اما در حالی که «نادانان چراغ‌های خود را برگرفتند و با خود روغنی نگرفتند»، «عاقلان در ظرف‌های خود با چراغ‌هایشان روغن برداشتند». گروه اخیر فیض خدا، یعنی قدرت تولدبخش و روشن‌گر روح‌القدس، را دریافت کرده بودند؛ همان که کلام او را چراغی برای قدم‌ها و نوری برای راه می‌سازد. در خوف خدا، برای آموختن حقیقت، کتاب مقدس را مطالعه کرده و با جدیت در جست‌وجوی طهارت قلب و حیات برآمده بودند. ایشان تجربه‌ای شخصی و ایمانی به خدا و به کلام او داشتند که با نومیدی و تأخیر درهم شکسته نمی‌شد. دیگران «چراغ‌های خود را برگرفتند و با خود روغنی نگرفتند». آنان از سر انگیزش‌های لحظه‌ای به حرکت درآمده بودند. ترس‌هایشان به‌وسیله پیام خطیر برانگیخته شده بود، اما بر ایمان برادران خود تکیه کرده، به نور لرزان احساسات نیکو خرسند شده بودند، بی‌آن‌که فهمی ژرف از حقیقت یا کاری اصیل از فیض در دل وجود داشته باشد. اینان برای ملاقات خداوند بیرون رفته بودند، آکنده از امید به چشم‌انداز پاداشی فوری؛ اما برای تأخیر و نومیدی مهیا نبودند. چون آزمایش‌ها فرا رسید، ایمان‌شان فرو ماند و چراغ‌هایشان کم‌فروغ گشت. مناقشهٔ عظیم، 393.

خواه سیاسی خواه دینی، هر دو طبقه در بحران نیمه‌شب بر ضد خردمندان متحد می‌شوند. با این بیان، مقاله را با طرح این نکته آغاز کردیم که من آیه چهاردهم را بر مبنای جایگاه آن در سیاق آیات به کار می‌برم، در تعارض با توالی تاریخی منعکس‌شده در آیات. همان منطق را، در هماهنگی با جایگاه آیه بیست‌وسوم، به کار می‌گیرم. جایگاه یک نشانه راه باید با تحقق تاریخی آن منطبق باشد. پیمانی که یهودیان در دوران مکابیان با روم بستند، موضع تطبیق آن آیه را تعیین کرد. «راهزنان» آیه چهاردهم، که رویا را تثبیت کردند، این کار را در ۲۰۰ پیش از میلاد، همان سال نبرد پانیوم، انجام دادند؛ اما آن نبرد و آن «راهزنان» دو نماد متفاوت‌اند.

«غارتگران» جزئی از روایت می‌شوند، نه برای برقراری پیوندی مستقیم با تاریخ نبرد پانیوم، بلکه برای شناسایی رابطه‌ای که با فرمانروای پنج‌ساله و تضعیف‌شده مصر برقرار کردند، در حالی که او در آستانه شکست از آنتیوخوس بود. ایشان نمی‌خواستند واردات گندم مصر به امپراتوری روم دچار اختلال شود. رابطه نبوی روم با پادشاه پنج‌ساله و آسیب‌پذیر مصر موضوع آیه است. آن میانجی‌گری پیامد فروپاشی‌ای را که در پی کوشش پوتین برای بازگرداندن تابعیت کلیسای اوکراین نسبت به کلیسای روسیه - چنان‌که پیش از ۱۹۸۹ بود - رخ می‌دهد، مشخص می‌کند. آن کوشش، آغازگر زوال تدریجی پادشاهی جنوبی او می‌شود، و چون پوتین همچون بطلمیوس بمیرد، یا به‌نحوی همچون عزبا و ناپلئون به تبعید رود، به‌طور نبوی از صحنه برداشته می‌شود و آنگاه پادشاهی او به دست سلسله‌ای از رهبرانی کم‌کفایت‌تر اداره می‌گردد. سپس، در زمان آن پادشاه پنج‌ساله، روم پاپی برای پاسداشت منافع خویش - که همان کلیسای اوکراین است - میانجی‌گری می‌کند.

پاپیت میان ارتدوکسی روسی و اوکراینی جانب هیچ‌یک را نمی‌گیرد؛ بلکه وی با همه طرف‌ها بازی می‌کند تا جمیع نهادهای دینی را تحت اقتدار خویش درآورد، چنان‌که در اشعیا، باب چهارم، نمایانده شده است.

و در آن روز هفت زن به یک مرد دست خواهند آویخت و خواهند گفت: نان خود خواهیم خورد و جامه خود خواهیم پوشید؛ فقط بگذار به نام تو خوانده شویم تا ننگ ما از میان برداشته شود. در آن روز شاخه خداوند زیبا و پرچال خواهد بود، و میوه زمین برای باقی‌ماندگان اسرائیل عالی و پسندیده خواهد بود. و چنین خواهد شد که هر که در صهیون باقی ماند و هر که در اورشلیم بماند، مقدس خوانده خواهد شد، یعنی هر کس که در میان زندگان اورشلیم مرقوم است. اشعیا

دستگاه پاپی زمام امور تمامی نهادهای دینی را، که به صورت هفت زن بازنمایی شده‌اند، یعنی همه کلیساها، به دست می‌گیرد. آن هفت کلیسا می‌خواهند کاتولیک خوانده شوند، که به معنای جامع است، و ایشان آشکارا قوم خدا نیستند، زیرا قصد دارند جامه خویش را بیوشند. اتحاد همه نهادهای دینی که خواهان پوشیدن جامه‌های بشری خویش‌اند، در زمانی رخ می‌دهد که «اورشلیم مقدس نامیده خواهد شد»، یعنی آنگاه که شاخه خداوند از قومی لاودیکی به قومی فیلادلفی دگرگون می‌شود؛ و همان هنگام است که دستگاه پاپی رأس همه نهادهای دینی می‌گردد، و در همان زمان نیز به رأس نهادهای سیاسی منصوب می‌شود.

در سال ۱۹۸۹، کلیسای اوکراینی نماد شاه شمال بود که اتحاد جماهیر شوروی را فرو می‌روید، و پوتین در پی بازگرداندن رابطه پیشین انقیاد برخواهد آمد، و بر پیشانی خود دچار جدام خواهد شد و جفای را علیه دینی که خواسته‌های او را نپذیرفت آغاز خواهد کرد. آن جفا در کشور خود بطلمیوس، در شهر اسکندریه، رخ داد؛ از این رو، کلیساهای درون روسیه که تحت نفوذ روم‌اند، به هدف پوتین - و به پایان او - تبدیل خواهند شد. هنگامی که ترامپ خود را برای نبرد پانویوم آماده می‌شود، رابطه آشکار او با حامی پادشاه کودک مصری تضعیف شده در سال ۲۰۲۵ آشکار می‌شود. قدرت روم که در سال ۲۰۰ پیش از میلاد از پادشاه کودک مصری حمایت کرد، در آن هنگام دیگر از آن پادشاه کودک حمایت نخواهد کرد. او به پایان دادن به آن پادشاه کودک یاری خواهد رساند. روم، به منزله حامی مصر در سال ۲۰۰ پیش از میلاد، نمایانگر روم به منزله نابودکننده مصر در نبرد پانویوم است.

## پیروان میلر

پیروان میلر سه قدرت رومی را ندیدند؛ آنان تنها دو قدرت را دیدند، اما حقیقت آنان کماکان حقیقت بود. منطق نبوی آنتیوخوس به منزله نماد، به ما اجازه می‌دهد آیه چهاردهم را بر تاریخی که بر وقایع آیه پانزدهم مقدم است اطلاق کنیم، هرچند تاریخی که نخستین بار این آیات را تحقق بخشید، هر دو آیه چهاردهم و پانزدهم را در سال ۲۰۰ پیش از میلاد قرار داده بود. من مدعی‌ام که آیه شانزدهم قانون یکشنبه‌ای است که عن‌قریب خواهد آمد، و آیه چهاردهم سال ۲۰۲۵ بود، و آیه پانزدهم نبرد پانویوم است که هنوز در آینده است. آنتیوخوس ثابت می‌کند که آن سه نبرد یک خط نبوی واحدند، زیرا او در هر سه نبرد حضور دارد؛ و نیز ادعایی را که من مطرح می‌کنم، یعنی کاربرد آخرالایامی آیات، هنگامی که به درستی به روش خط بر خط تقسیم شوند، ثابت می‌کند.

آنتیوخوس در هر سه نبرد حضور داشت، و در روزهای آخر او نمایانگر قدرت نیابتی پاپی در سال ۱۹۸۹ (ریگان و ایالات متحده آمریکا) و ۲۰۱۴ (زلنسکی و اوکراین) است؛ و سپس در نبرد پانویوم همان قدرت نیابتی سال ۱۹۸۹ است، زیرا عیسی همواره پایان را با آغاز نمایندگی می‌کند. رونالد ریگان مرده و به خاک سپرده شده است، بنابراین گواهی تاریخی آنتیوخوس مطابق با فهم میلریتی دقیق است، اما مقید به قواعدی است که بر کاربرد «خط بر خط» حاکم‌اند. آخرین قدرت نیابتی پاپی در آیات، ترامپ است، هرچند از نظر تاریخی آنتیوخوس در هر سه نبرد حضور داشت. برای تحقق آیه سیزده، ترامپ می‌بایست در انتخابات دوم بیازد، زیرا در آیه سیزده او «بازمی‌گردد»، نیرومندتر از هر زمان، آن قدر نیرومند که گلوله‌ای از ناحیه گوش را تاب بیاورد؛ و همان گوش، که به همراه شست دست راست و انگشت بزرگ پای راست، از مواضعی بود که هنگام مسج کاهنان باید با خون مسح می‌شد.

ریگان نمونه نوعی ترامپ بود، زیرا او از سال ۱۹۸۹، یعنی وقت آخر، نخستین هشت رئیس‌جمهور پایانی است. لینکلن نمونه نوعی ترامپ بود، زیرا او نخستین رئیس‌جمهور جمهوری خواه بود. لینکلن به دست دموکرات‌های طرفدار برده‌داری، در اتحاد با روم، ترور شد، و هم رونالد ریگان و هم همتای پاپیست او، ژان پل دوم، از سوءقصد جان به در بردند. ترامپ در سال ۲۰۲۰ به طور سیاسی ترور شد، با

انتخاباتِ دز دیده‌شده در تحققِ مکاشفه، باب یازدهم، آیه هفتم؛ و سپس در ۲۰۲۴، در تحققِ آیه یازدهم، رستاخیز یافت.

و چون شهادت خویش را به انجام رسانند، آن وحش که از هاویه بی‌کران برمی‌خیزد با ایشان جنگ خواهد کرد و بر آنان چیره خواهد شد و ایشان را خواهد کشت. ... و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در ایشان داخل شد و بر پای‌های خود ایستادند؛ و خوفی عظیم بر آنان که ایشان را دیدند مستولی شد. مکاشفه یوحنا ۱۱:۷، ۱۱

رستاخیز ترامپ همان «بازگشت» او در آیه سیزدهم بود، و نیز مشابهتی با یکی از ویژگی‌های روم پدید آورد؛ زیرا روم «هشتمی است که از آن هفت است»، و ترامپ تصویری از روم است.

و آن وحش که بود و نیست، او خود هشتمی است و از جمله آن هفت است و به هلاکت می‌رود. مکاشفه ۱۱:۱۷.

دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ او را پس از ریگان هشتمین رئیس‌جمهور می‌سازد، و چون او پیش‌تر نیز ششمین بود، ترامپ، در هم‌سویی با پاپیت، «هشتم است، که از آن هفت است». عدد هشت نماد رستاخیز است و بر این نکته تأکید می‌کند که او، به مثابه صورت پاپیت، می‌بایست زخمی مرگبار می‌داشت که شفا یافته باشد تا بتواند «بازگردد».

و دیدم که یکی از سرهایش گویی زخمی مرگبار برداشته بود؛ و زخم مرگبارش شفا یافت؛ و همه جهان در شگفتی، به دنبال آن وحش رفتند. مکاشفه ۱۳:۳.

وقتی زخم مهلک شفا یابد، جهان «با حیرت در پی وحش می‌رود»، و هنگامی که ترامپ در سال ۲۰۲۴ به منزله «هشتم که از هفت است» از مردگان برخاست، او «بازگشت» و تمام جهان با حیرت در پی او رفتند.

و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در آنان داخل شد و بر پاهای خود ایستادند؛ و ترس بزرگی بر کسانی که آنان را دیدند افتاد. و صدای بلندی از آسمان شنیدند که به آنان می‌گفت: به اینجا بالا بیایید. و در میان ابری به آسمان صعود کردند؛ و دشمنانشان آنان را می‌نگریستند. مکاشفه ۱۱:۱۱، ۱۲.

ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ «بازگشت» و سپس در ۲۰۲۵، او و پاپ لئو هر دو رسماً آغاز به کار کردند. عیسی به هر که خواهان دیدن بود، هشدار مستقیم و منصفانه داد.

پس چون ببینید آن پلیدی ویرانگر را که دانیال نبی از آن سخن گفته است، در مکان مقدس ایستاده است، (هر که می‌خواند، بفهمد). متی ۲۴:۱۵.

مرقس شاید آن را اندکی واضح‌تر بیان می‌کند.

اما چون ببینید که رجاست ویرانی، آنچه دانیال نبی از آن سخن گفته است، ایستاده در جایی که نباید باشد، (هر که می‌خواند، بفهمد) آنگاه آنان که در یهودیه‌اند به کوه‌ها بگریزند. مرقس ۱۳:۱۴.

رجاست ویرانی، روم در هر یک از سه مرحله آن است. روم بت‌پرست، روم پاپی و روم نوین هر یک نمادی از هشدار برای قوم خداست. این هشدار زمانی باید تشخیص داده شود که روم در «جای مقدس» یا در «جایی که نباید باشد» قرار دارد. «سرزمین مجید» در کتاب مقدس همان «سرزمین مقدس» است، و ایالات متحده سرزمین مجید روحانی است.

و خداوند یهودا را به‌عنوان نصیب خویش در سرزمین مقدس به میراث خواهد گرفت، و بار دیگر اورشلیم را برخواهد گزید. خاموش باشید، ای تمامی بشر، در حضور خداوند، زیرا او از مسکن

مقدس خویش برخاسته است. زکریا ۲:۱۳، ۱۳.

هرگاه روم را در مکان مقدس ایستاده ببینید، خداوند برای آخرین بار اورشلیم را به عنوان قوم عهد خویش برمی‌گزیند. هنگامی که ریگان، نخستین هشت رئیس‌جمهور، ائتلافی پنهانی با ضد مسیح نیوات کتاب مقدس ترتیب داد، این امر نمایانگر ائتلافی آشکار با روم از سوی هشتمین و آخرین رئیس‌جمهور از زمان آخر در سال ۱۹۸۹ به این سو بود. نمادهای امگا غالباً اوصاف نماد آلفا را وارونه می‌کنند.

آیین‌های آغازین پاپ لئو و ترامپ در سال ۲۰۲۵ حاکی از برقراری رابطه‌ای علنی میان وحش دریا و وحش زمین باب سیزدهم مکاشفه یوحناست. این وارونگی به اتحادی علنی میان ترامپ و لئو، که اتحاد پنهانی ریگان و ژان پل دوم پیش‌نمونه آن بود، ما را آگاه می‌سازد که حمایت از پادشاه خردسال مصری که در سال ۲۰۰۰ پیش از میلاد آیه چهاردهم را تحقق بخشید، در آخرالایام نمایانگر فقدان حمایت است.

سال ۲۰۲۵ رویا یا نبوت بنیادین بیرونی را مقرر می‌دارد، زیرا روم را، به مثابه هشدار خود روم، برجسته می‌سازد؛ هشدار که دانیال آن را با نماد «رجاست ویرانی» شناسایی کرده است. هشدار رجاست ویرانی پیش از نابودی‌ای که با «ویرانی» نمایانده شده است، رخ می‌دهد. در محاصره اورشلیم به دست کستیوس، هشدار با نصب پرچم‌های اقتدار روم در حریم مقدس معبد نمایانده شد. آنان که دیدند، دریافتند، فرمان بردند و شهر را ترک گفتند، چون محاصره از سر گرفته شد، محفوظ ماندند. آنان نشانه هشداردهنده رومی را دیدند. مسیحیانی که از کلیسای سازش‌کار پرغامس و سپس از کلیسای طیاتیره جدا شدند، چون دیدند مرد گناه در هیکل خدا می‌نشیند، به بیابان گریختند. آن گواهان هشدار از رجاست ویرانی را که دانیال در ایام آخر از آن سخن گفته است، مشخص می‌کنند.

بارها نشان داده‌ایم که ۱۸۸۸ معادل محاصره سستیوس بود و فرجام بحران قانون یکشنبه، محاصره تیتوس است. لوایح قانون یکشنبه بلر در دهه ۱۸۸۰، به همراه قوانینی که در برخی ایالات جنوبی طی همان دهه به اجرا گذاشته شد، همان هشدار سستیوس بود که همچنین خط فاصل را در رهنمودهای خواهر وایت درباره زندگی روستایی مشخص کرد. پیش از دهه ۱۸۸۰، رهنمود او این بود که در آینده لازم خواهد بود به روستا نقل مکان کنیم؛ اما پس از دهه ۱۸۸۰، زندگی روستایی امری تلقی می‌شد که می‌بایست از پیش تحقق یافته باشد. نشانه هشداردهنده لوایح بلر—که در دهه ۱۸۸۰ درباره ترویج نشان اقتدار پاپی مورد بحث بود—نمونه تمثیلی قانون پاتریوت در ۱۱ سپتامبر بود، زیرا فرشته باب هجدهم مکاشفه در هر دو آن دوره‌ها ظهور کرد.

۹/۱ هشدار سستیوس بود که اقتدار خود را در مکان مقدس در جایی که نباید می‌بود قرار داد، زیرا در ۹/۱ قانون رومی جایگزین قانون انگلیسی شد. در محاکمه‌های پلوسی ۲۰۲۱ بند دادرسی منصفانه نفی گردید و این امر گامی دیگر به سوی محاصره تیتوس است که در قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع در ایالات متحده به پایان می‌رسد. محاصره یک دوره زمانی است. ۱۸۸۸ دلالت بر شورش شاخ پروتستان داخلی دارد و ۹/۱ دلالت بر شورش شاخ جمهوری‌خواه خارجی. جلوس پاپ از سرزمین جلال در همان سالی که رئیس‌جمهور نهایی نیز تحلیف می‌شود، نمایانگر هشدار نهایی رجاست ویرانگر ایستاده در جایی است که نباید باشد، بلافاصله پیش از نبرد پانیوم. نبرد پانیوم مستقیماً به قانون یکشنبه و نبرد آکتیوم منتهی می‌شود، که نمایانگر سومین و آخرین مانع برای روم وثنی بود، و سپس روم وثنی به مدت ۳۶۰ سال به طور مطلق حکم راند، در تحقق دانیال ۱۱:۲۴. در هنگام قانون یکشنبه، هر دو پادشاهی ششم و هفتم به دست روم فتح می‌شوند، و آنگاه روم معاصر به مدت یک ساعت نمادین، یا چهل و دو ماه نمادین سلطنت می‌کند.

در آیه شانزدهم، پومپه که به تازگی نخستین مانع روم بت پرست، سوریه، را فتح کرده است، سپس اورشلیم را فتح می‌کند. پومپه دو مانع نخست روم را از میان برمی‌دارد و آگوستوس قیصر، سومی را در آکتیوم فتح می‌کند. روم مدرن نخست پادشاه جنوب را در سال ۱۹۸۹، در تحقق آیه چهلم و چنان که در آیه دهم نمونه‌وار نشان داده شده است، فتح می‌کند. سپس در هنگام قانون یکشنبه، روم مدرن مانع دوم و سوم خود را با ایالات متحده فتح می‌کند و آنگاه سازمان ملل متحد بی‌درنگ موافقت می‌کند که پادشاهی خود را به قدرت پاپی واگذار کند. روم بت پرست دو مانع را به دست پومپه و سپس یکی را فتح کرد، و روم پاپی یکی را در ۱۹۸۹ فتح کرد، و سپس دو مانع بعدی خود را در آیه شانزدهم، جایی که پومپه با فتح دوش نشان می‌گردد.

چه سومین مانع برای روم بت پرست در آکتیوم بوده باشد، و چه در زمانی که سومین مانع - که مصداق آن بیرون راندن گوت‌ها از شهر روم در سال ۵۳۸ است - فراراه است، هرگاه روم بر سومین مانع فائق آید، به طور مطلق فرمان می‌راند.

به تحقیق خداوند یهوه هیچ کاری نمی‌کند مگر آنکه راز خود را بر بندگان خویش، پیامبران، مکشوف سازد. عاموس ۳:۷.

خداوند بی‌گمان پیش از آن که ویرانی فرا رسد، آخرین تجلی نشانه هشدار را که در کتاب دانیال به صورت «رجاست ویرانگر» نمایانده شده است، عطا خواهد کرد. آن نشانه هشدار، اتحاد علنی است، در تقابل با اتحاد سری ریگان که بازنمایی آن در سال ۲۰۲۵ است. خداوند بی‌آن که نخست هشدار دهد، کیفر را نخواهد آورد، و عاموس بسی صریح است در این که مکاشفه سری او به خادمانش چیست و مخاطب آن کیست.

ای بنی اسرائیل، این کلام را که خداوند بر ضد شما، و بر تمامی آن خاندان که از زمین مصر برآورد، تکلم فرموده است، بشنوید: «از میان جمیع خاندان‌های زمین، تنها شما را شناختم؛ از این رو شما را به سبب تمامی گناهان‌تان عقوبت خواهم نمود.» عاموس ۳:۱، ۲

آموس خطاب به آخرین نسل قوم عهده برگزیده خداوند سخن می‌گوید که بناست مجازات شوند، در همسویی با آن بیست و پنج مرد که در باب هشتم حزقیال به خورشید سجده می‌کنند. آموس پیام لاودکیه‌ای را عرضه می‌کند، که همان پیام فرشته سوم است در هنگام محو گناه در زمان داوری زندگان. هشدار آموس مبتنی بر اتحاد دو طرف است.

آیا دو تن جز به اتفاق می‌توانند با هم راه روند؟ آیا شیر در جنگل غرش می‌کند، اگر صیدی نداشته باشد؟ آیا شیر جوان از کمینگاه خود نعره برمی‌آورد، اگر صیدی نگرفته باشد؟ آیا پرنده‌ای بر زمین در دام می‌افتد، در جایی که برای او تله‌ای نباشد؟ آیا کسی دامی را از زمین برمی‌گیرد، بی‌آن که چیزی گرفته باشد؟ آیا در شهر شیبور دمیده می‌شود و قوم تترسند؟ آیا شری در شهری واقع می‌شود و خداوند آن را نکرده باشد؟ عاموس ۳:۳-۶.

هشدار درباره دو تن که چون یک تن با هم راه می‌روند، در سیاق دامی قرار گرفته است که پرنده‌ای را از زمین به دام می‌اندازد. پرنده‌گان نماد نهادهای دینی‌اند، و پایت در مکاشفه قفس هر پرنده ناپاک و منفور است.

و او به آواز بلند و نیرومند فریاد برآورد و گفت: «بابل عظیم سقوط کرد، سقوط کرد، و مسکن شیاطین گشته است و زندان هر روح ناپاک، و قفس هر پرنده ناپاک و مکروه. زیرا همه امت‌ها از شراب خشم زناکاری او نوشیده‌اند، و پادشاهان زمین با او زنا کرده‌اند، و بازرگانان زمین از فراوانی تنعم او توانگر شده‌اند.» مکاشفه ۱۸:۲، ۳.

پرنده‌ای در قفس، پرنده‌ای اسیر است؛ و چون ملّتی با فاحشه روم زنا می‌ورزد، به پرنده‌ای اسیر مبدّل می‌شود. و آن پرنده‌ای که بر فراز همه دیگر پرندگان نبوی برکشیده می‌شود، همان قدرتی است که خانه سه‌گانه‌اش بنا می‌شود و در قانون یکشنبه، در جایگاه او، که همان شینعار است، که همان بابل است، استوار می‌گردد. همان پرنده‌ای است که در سال 1798 زخم مرگبار یافت، یا چنان که زکریا می‌گوید، سرپوش سربی بر سبدش نهاده شد، اما پس از آن به دست پرندگان روح‌گرایی و پروتستان‌تیسیم مرتد برکشیده شد.

آنگاه فرشته‌ای که با من سخن می‌گفت پیش آمد و به من گفت: اکنون چشمانت را بلند کن و ببین این چیست که بیرون می‌آید. و گفتم: این چیست؟ گفت: این یک ایفه است که بیرون می‌رود. و نیز گفت: این صورت ایشان در سرتاسر زمین است. و اینک، یک تالنت سرب بالا برده شد؛ و این زنی است که در میان ایفه نشسته است. و گفت: این شرارت است. و او آن را در میان ایفه افکند؛ و وزنه سربی را بر دهان آن افکند. آنگاه چشمان خود را بلند کردم و نگریستم، و اینک، دو زن بیرون آمدند و باد در بال‌های ایشان بود؛ زیرا بال‌هایی مانند بال‌های لک‌لک داشتند؛ و ایفه را میان زمین و آسمان بلند کردند. آنگاه به فرشته‌ای که با من سخن می‌گفت گفتم: اینان ایفه را به کجا می‌برند؟ به من گفت: تا در سرزمین شینعار برای آن خانه‌ای بنا کنند؛ و برقرار خواهد شد و در آنجا بر پایه خود نهاده خواهد شد. زکریا ۵:۵-۱۱.

دام عاموس پرنده را از زمین به دام می‌اندازد، زیرا آن نماد اتحادی است که مقدم بر قانون یکشنبه‌ای است که به زودی فرا می‌رسد و در آن پرنده زمینی گرفتار می‌شود، و بنابر عاموس، آن اتحاد مایه توییخ ادونتیسیم روز هفتم لاودکیه‌ای است؛ زیرا در شهر شیبور هشدار نواخته خواهد شد و آنان از شنیدن آن امتناع خواهند ورزید.

آیا شیبور در شهری دمیده شود و قوم نترسند؟ آیا بلایی در شهری واقع شود و خداوند آن را نکرده باشد؟ هرآینه خداوند یهوه کاری نمی‌کند، جز آنکه سر خویش را بر پندگان خود، انبیا، میکشوف سازد. شیر غریبه است، کیست که نترسد؟ خداوند یهوه سخن گفته است، کیست که نبوت نکند؟ عاموس ۶:۳-۸.

شیر غرّان، همان شیر سبط یهوداست که نمایانگر مسیح است، آنگاه که مسیح بر کلام نبوی خویش مهر می‌نهد و مهر از آن برمی‌دارد. اتحاد علنی ۲۰۲۵، محاصره سیستیوس است، و نماد غارتگران قوم خدا آنگاه استوار می‌گردد که می‌بینی دو تن که هرگز نباید همزیست باشند، با هم گام برمی‌دارند. رم هم‌پیمان و هم‌راستا با پروتستان‌ها متناقض‌نماست، زیرا پروتستان بودن به معنای اعتراض بر ضد رم است.

این موارد را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

## برای گریز از دام دیر شده است

و باید به یاد داشت، رم بدان می‌بالد که هرگز تغییر نمی‌کند. اصول گرگوری هفتم و اینوسنت سوم هنوز هم اصول کلیسای کاتولیک روم‌اند. و اگر تنها قدرتش را می‌داشت، امروز نیز همچون قرون گذشته آن‌ها را با همان شدت به اجرا می‌گذاشت. پروتستان‌ها اندک می‌دانند که چه می‌کنند وقتی در نظر دارند در کار تعظیم روز یکشنبه، یاری رم را بپذیرند. در حالی که آنان بر تحقق مقصود خود مصمم‌اند، رم در پی احیای قدرت خویش و بازیابی برتری از دست‌رفته‌اش است. اگر روزی این اصل در ایالات متحده برقرار شود که کلیسا بتواند از قدرت دولت بهره‌گیرد یا آن را مهار کند، و آیین‌ها و مناسک دینی را بتوان با قوانین عرفی الزام کرد، به‌اختصار، اگر اقتدار کلیسا و دولت بر وجدان چیره شود، پیروزی رم در این کشور قطعی خواهد شد.

کلام خدا از خطر قریب‌الوقوع هشدار داده است؛ اگر این هشدار نادیده انگاشته شود، جهان پروتستان تنها زمانی درخواهد یافت که مقاصد واقعی روم چیست که برای گریختن از دام، دیگر دیر شده باشد. او بی‌سروصدا در حال قدرت‌گیری است. تعالیم او نفوذ خود را در تالارهای قانون‌گذاری، در کلیساها و در دل‌های انسان‌ها اعمال می‌کند. او بناهای رفیع و عظیم خود را برمی‌افزاید که در زوایای پنهان آنها جفاهای پیشینش تکرار خواهد شد. پنهانی و بی‌آنکه کسی به او ظن ببرد، نیروهای خود را تقویت می‌کند تا چون زمان ضربه فرا رسد، مقاصد خویش را پیش ببرد. تمام آنچه می‌خواهد جایگاهی برتر است، و این هم‌اکنون دارد به او داده می‌شود. به زودی خواهیم دید و احساس خواهیم کرد که مقصود عنصر رومی چیست. هر که به کلام خدا ایمان آورد و از آن اطاعت کند، بدین وسیله مورد سرزنش و جفا قرار خواهد گرفت. نبرد بزرگ، ۵۸۱.

جهانی در شرارت، در فریب و گمراهی، در خود سایه مرگ آرمیده است—خفته، خفته، چه کسانی رنج جان می‌کشند تا آنان را بیدار کنند؟ کدام صدا می‌تواند به آنان برسد؟ اندیشه‌ام به آینده می‌رود، هنگامی که علامت داده خواهد شد: «اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید.» اما برخی در تهیه روغن لازم برای پر کردن چراغ‌هایشان درنگ خواهند کرد، و دیر هنگام خواهند فهمید که منشی که آن روغن نمایانگر آن است، قابل انتقال نیست. آن روغن پارسایی مسیح است. آن نمایانگر منش است، و منش قابل انتقال نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند آن را برای دیگری تأمین کند. هر کس باید برای خود منشی پالوده از هر لکه گناه به دست آورد. Bible Echo، 4 مه 1896.

چون نفوس بی‌نوا را می‌نگریستم که به سبب فقدان حقیقت حاضر جان می‌دادند، و برخی که مدعی ایمان به حقیقت بودند با دریغ‌داشتن وسایل لازم برای پیشبرد کار خدا آنان را وا می‌گذاشتند تا بمیرند، آن منظره بسی جانکاه بود و از فرشته التماس کردم آن را از من دور سازد. دیدم که هرگاه امر خدا آنان را به تقدیم بخشی از اموال‌شان فرامی‌خواند، مانند آن جوان که نزد عیسی آمد (متی ۱۹: ۱۶-۲۳)، اندوهگین می‌رفتند؛ و اینکه به زودی برای فراگیر عبور خواهد کرد و همه دارایی‌هایشان را خواهد رویید، و آنگاه برای قربانی کردن اموال زمینی و اندوختن گنجی در آسمان، بسی دیر خواهد بود. نوشته‌های نخستین، ۴۹.

یهودا چون دید التماس‌هایش بی‌ثمر است، با فریاد «دیر شده است! دیر شده است!» شتابان از تالار بیرون رفت. احساس کرد که نمی‌تواند زنده بماند تا شاهد مصلوب شدن عیسی باشد، و در نومیدی بیرون رفت و خود را حلق‌آویز کرد. اشتیاق اعصار، صفحه ۷۲۲.